

دلالت‌های تربیتی انسان کامل از دیدگاه قرآن

بهبود یاریقلی^۱، صابر علی‌زاده^۲، احمد رحمانی^۳

^۱ استادیار، فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران
^۲ دانشجوی دکتری تخصصی، روانشناسی تربیتی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران
^۳ کارشناس ارشد، روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ارومیه، ایران

نویسنده مسئول:

صابر علی‌زاده

چکیده

هدف این تحقیق، برداشتن گامی استوار برای ارائه تحلیلی روانشناختی از انسان کامل از دیدگاه قرآن و پاسخ به این سؤال است که چگونه می‌توان دلالت‌های تربیتی انسان را با استفاده از محتواهای قرآنی تبیین و تشریح کرد؟ روش پژوهش حاضر عبارت است از تحلیل مفهومی- توصیفی و نظری دلالت‌های تربیتی مربوط به «انسان کامل از دیدگاه قرآن» با روش‌شناسی رایج در حوزه‌های علمیه و علوم اسلامی- انسانی. این مطالعه در صدد آن است تا با بهره‌گیری از آیات قرآن و با رجوع به تفاسیر معتبر و بررسی و تحلیل آن آیات و تفاسیر، ضمن تبیین جایگاه انسان، دیدگاه قرآن را در مورد انسان کامل و برخی مصادیق آن بررسی کند و سپس با التزام به مفاهیم قرآنی، به قالب‌ریزی آن در مفاهیم اساسی روانشناسی و تربیتی بپردازد. براساس یافته‌های این تحقیق که رویکردی میان رشته‌ای را دنبال کرده، قرآن کریم بسیاری از رهنمون‌های تربیتی را برای انسان شفاف کرده است. لذا، آدمی با تمسک به قرآن می‌تواند راه رسیدن به کمال خود را تسریع بخشد و نتیجتاً به انسانی کامل مبدل گردد و برای تعلیم و تربیت مثمر ثمر واقع شود.

کلمات کلیدی: انسان کامل، قرآن، دلالت‌های تربیتی و روانشناختی.

مقدمه

دانشمندان اسلامی تا کنون آثار ارزشمند بسیاری را در مورد تربیت و کمال انسان^۱ و درک عظمت وجودی او با استفاده از آیات، روایات و احادیث به رشته تحریر درآورده‌اند. کلمه «کمال» در لغت به معنای تمام شدن، کامل شدن و اتمام آراستگی صفات است و در اصطلاح به معنای به فعلیت رسیدن تمام استعدادهای نهفته در یک موجود می‌باشد و «کمال جویی» از جمله گرایش‌های اصیل و فطری انسان بوده و هر شخصی در نهاد خویش به دنبال رسیدن به کمال و تحصیل آن است. هر یک از مکاتب عقل، عشق، قدرت و محبت بر اساس نوع دیدشان به انسان و سعادت وی، تعریفی از انسان کامل ارائه داده و براساس آن، معیارهایی را برای آن عرضه کرده‌اند. مکتب عقل، کمال انسان را در شکوفائی هر بیشتر قوه اندیشه و تعقل می‌داند؛ مکتب عشق، رسیدن به حد اعلای عشق و محبت پروردگار را، کمال نهایی انسان معرفی می‌کند؛ مکتب قدرت، کسب قدرت را به هر طریق ممکن، مایه کمال می‌داند و مکتب محبت با تأکید بر ضرورت هر چه بیشتر خویشستن، کمال انسان را در دوست داشتن دیگران خلاصه می‌کند. مکتب اخلاقی اسلام نیز با نظر به اهمیت معرفی شاخصه‌های یک انسان مطلوب در نیل دادن افراد به سمت فضائل اخلاقی، با معرفی افرادی به عنوان نمونه‌های عینی انسان کامل و آسوه‌های عملی اخلاق، معیارها و شاخصه‌های یک انسان برتر را در اختیار پیروان خویش قرار داده است. از یک نظر همه قرآن بیانگر صفات و ویژگی‌های انسان‌های کامل است، زیرا قرآن یا از رفتارهای خوب و پسندیده سخن می‌گوید که صفات انسان‌های کامل است، یا به سرزنش رفتارهای زشت و ناپسند می‌پردازد که باز دوری کردن از این رفتارها جزو صفات انسان‌های کامل است. در یک کلام، انسان کامل کسی است که به قرآن کریم عمل کند و از دیدگاه قرآن، کمال نهایی انسان رسیدن به هدف نهایی خلقت و تحقق اهدافی است که انسان به جهت آن خلق شده است. پس هدف نهایی خلقت انسان از منظر قرآن رسیدن به مقام خلیفه الهی و مظهریت اسماء و صفات الهی است که تنها از طریق عبودیت ذات پروردگار حاصل می‌شود. در حقیقت مقام خلیفه الهی که همان مقام قرب به خداوند است، غایت قصوای سیر آدمی و نقطه‌ای فرجام کمال انسانی است که دربردارنده ناب‌ترین، گسترده‌ترین و پابنده‌ترین لذت‌های معنوی برای شخص است. «مقصود از مقام قرب این است که انسان در اثر اعمال شایسته برخاسته از ایمان و همراه با تقوا، ارتقاء وجودی می‌یابد و حقیقت وجودی او استعداد یافته و متعالی‌تر می‌شود به گونه‌ای که نفس خویش را درمی‌یابد و با شهود نفس خویش و وابستگی کامل و محض خود به خداوندگارش، خداوند را با علم حضوری آگاهانه می‌یابد». دستیابی به این مقام، همه کمالات روحانی و انسانی را در بر خواهد داشت و رسیدن به این کمال، همان نقطه‌ای اوج قرب به خدا است که انسان در سایه آن مثل او می‌شود و در جوار رحمتش استقرار می‌یابد و چشم و زبانش چشم و زبان او می‌شود و به اذن خدا کارهای خدا را انجام می‌دهد و این عبودیت حقیقی خداوند در گرو ایمان و عمل صالح و مخالفت با وسوسه‌های شیطانی و تربیت صحیح است. اهمیت این قضیه در این است که انسان ابتداً برای اصلاح «تربیت» صحیح خویش نیاز به شناخت ارزشهای وجودی، استعدادهای درونی و نیز شناسایی عیوب خویش دارد و تا زمانی که این معرفت حاصل نگردد، امکان تربیت صحیح وجود ندارد. لذا یکی از جنبه‌ها برای تربیت درست انسان، شناخت عیوب خویش است. چنانچه حضرت علی (ع) فرموده است: «سودمندترین دانش‌ها، خودشناسی است». اما جنبه دیگر شناخت و اصلاح خود که موضوع این مقاله بوده و از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد، این است که انسان جایگاه وجودی خویش را در نظام هستی با توجه به آیات قرآنی دریابد تا از این طریق بتواند درک وسیعی از وسعت وجودی خود را کسب کند و در جهت تربیت خودش گام بردارد. البته وقتی که انسان به ارزشهای وجودی خود آگاهی یابد، می‌تواند به اهمیت شناخت عیوب خود و ضرورت ترک آنها نیز واقف گردد و نتیجتاً تربیت و اصلاح شود. از این روست که «معرفت نفس یا همان شناخت خود، والاترین معرفت‌هاست»^۲. البته انسان‌شناسی واقعی^۳ را در الفاظ نمی‌توان یافت بلکه کسی که کتاب وجود خویش را بررسی کرده و مکنونات آن را دریافته باشد، می‌داند که خود واقعی چیست؟ یعنی تا زمانی که کسی استعدادهایش به عنوان یک انسان شکوفا نگردد، هرگز قادر به شناخت خود حقیقی نخواهد شد. از آنجا که این استعدادها در انسان کامل^۴ شکوفا گردیده، لذا هر انسانی برای شناخت خود واقعی‌اش باید از شناخت انسان کامل شروع کند. زیرا فعلیت استعدادهای انسانی را در او می‌توان به نظاره نشست. حضرات انبیاء و اولیاء (ع) شخصیت‌هایی هستند که قرآن آنها را به عنوان انسان کامل معرفی کرده است. انسان کامل هرچند که اصطلاحی قرآنی نیست ولی خاستگاه آن را باید در قرآن جستجو کرد. چرا؟ زیرا واژگان بسیاری در قرآن وجود دارند که بر این مفهوم دلالت می‌کنند که از این میان می‌توان به خلیفه الله، مقرب، مخلص و... اشاره کرد. فلذا، در این نوشتار

1. education and human perfection

۲. (أَفْضَلُ الْمَعْرِفَةِ مَعْرِفَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ)

3. real anthropology

4. perfect human

سعی بر آن شده است تا جهت تبیین و تشریح دلالت‌های تربیتی^۵ انسان کامل، به دیدگاه قرآنی در مورد شخصیت‌های شایسته و بایسته‌ای پرداخته شود که مراتب مختلف ذات الهی در آنها شکوفا شده و در جرگه انبیاء و اولیای الهی می‌باشند.

روش‌شناسی و پیشینه پژوهش

در بحث از روش‌شناسی این پژوهش ابتدا با بررسی «توصیف‌های مربوط به انسان‌های برتر در قرآن»^۶، مجموعه‌ای از صفات بدست آمد. بدین منظور آیات قرآنی مورد مطالعه قرار گرفت. سپس جهت کشف ویژگی‌های انسان کامل در قرآن، به صفات انسان‌های نمونه نامبرده شده در قرآن نیز توجه شد و صفات انسان‌های برتر، به کمک تحلیل محتوی قرآن بدست آمد. در بحث از پیشینه پژوهش باید گفت: که عارف بزرگ، شیخ اکبر، «محمد ابن عربی» (۵۶۰-۶۳۸ ق) از اولین کسانی بوده است که تعبیر «انسان کامل» را به کار برده است (البته پیش از او نیز این تعبیر مورد استفاده بوده است). او در کتاب فصوص الحکم می‌گوید: «انسان کامل نگین انگشتر عالم آفرینش است». پس از ابن عربی شاگرد وی «صدرالدین قونوی» (۶۰۷-۶۷۳ ق) در آثاری همچون «مراتب الوجود» و «مفتاح غیب الجمع و الوجود» به بحث انسان کامل پرداخته است. کتاب اخیر را «محمد بن - حمزه فناری» معروف به ابن فناری (۷۵۱-۸۳۴ ق) در کتابی تحت عنوان «مصباح الانس» که از کتب بسیار دقیق عرفانی است، شرح داده است. «شیخ عبدالکریم بن ابراهیم جیلانی» (۷۶۸-۸۳۲ ق) از دیگر کسانی است که در «الانسان الکامل فی معرفه الاواخر و الاوائل» بدین بحث پرداخته است. عزیزالدین نسفی (از عرفای قرن هفتم) در «الانسان الکامل»، شیخ محمود شبستری (۶۸۷-۷۲۰ ق) در «گلشن راز»، صائن الدین علی بن محمد ترکه اصفهانی (۷۷۰-۸۳۵ ق) در «تحریر تمهید القواعد»، مرحوم علامه طباطبایی (۱۲۸۱-۱۳۶۰ ش) در «رسالة الولاية» و امام خمینی در «مصباح الهدایة»، «تعلیقات بر فصوص الحکم و مصباح الانس»، «شرح دعای سحر» و دیگر آثار خویش به طرح و تبیین بحث انسان کامل پرداخته‌اند. یکی از مسائل جالب توجه در این موضوع آن است که چگونه می‌توان تلفیقی از دیدگاه اسلامی و روانشناختی از کمال انسان را ارائه داد. به عبارتی دیگر اگر آموزه‌های متون اسلامی^۷ خصوصاً قرآن کریم را در مورد کمال انسان جستجو شود، آیا می‌توان آن را در قالبی روانشناختی و یا به عبارتی تربیتی، ارائه کرد؟ در این صورت، می‌توان مقایسه‌هایی بین دو دیدگاه انجام داد. بر این اساس مسئله این تحقیق بطور کلی آن است: که چگونه می‌توان ویژگی‌های انسان کامل داشتن را در قالب دلائل تربیتی پی- ریزی کرد؟ به همین دلیل اکنون این نوشتار بر آن است تا برخی از ادله‌های تربیتی وجود انسان کامل را در نظام هستی از منظر قرآن مورد بررسی قرار دهد.

جایگاه و منزلت انسان و هدف از آفرینش او در نظام هستی

هر مکتب و مذهبی که درباره انسان سخن می‌گوید، به طور طبیعی از ابعاد گوناگون به انسان می‌پردازد، اما آنچه اهمیت دارد دیدگاه کلی آن مکتب و مذهب درباره انسان است. در این نگرش کلی و اجمالی، تعیین جایگاه و منزلت انسان در نظام هستی یکی از محورهای است که باید کانون توجه باشد. مقصود از جایگاه و منزلت آدمی در جهان هستی، تعیین میزان قابلیت‌های مادی و فیزیکی و اقتدار و بهره‌مندی انسان در مقایسه با سایر حیوانات و موجودات نیست. زیرا بی‌تردید انسان با توجه به هوش سرشار و قدرت ابزارسازی خود و بهره‌مندی از عنصر زبان و امکان ایجاد روابط فرهنگی و تبادل اطلاعات، تفوق فیزیکی و تکنیکی بر همه موجودات کره زمین دارد و حاکمیت بلامنازع خود را بر همه آنها تحمیل کرده است و از این رو جایگاه ممتازی دارد. مقصود از تعیین منزلت و جایگاه انسان، قضاوت درباره ارزش‌های معنوی و اخلاقی انسان است. به این معنی که نوع انسان نه لزوماً تک تک افراد، چه کمالات بالقوه و بالفعلی دارند. اما آیا در فضایل و کمالات ارزشی و اخلاقی، موجود دیگری هم رتبه با او یافت می‌شود؟ آیا انسان در راه رسیدن به غایت و کمالات خویش از مزیت‌ها و استعدادها خاصی بهره- مند شده است؟ و آیا انسان به لحاظ خیرات و کمالات، به اوج و مرتبه‌ای خواهد رسید که هیچ هم‌اوردی در میان دیگر موجودات نداشته باشد؟ برخی دیدگاه‌های بدبینانه نسبت به انسان، در این امور امتیاز خاصی را برای آدمی در نظر نمی‌گیرند و امتیاز او را در همان برتری‌های مادی و فیزیکی می‌دانند. زیرا با پذیرش بینش ماتریالیستی^۸، انسان در ماده خلاصه می‌شود و در حد یک سیستم ماشینی پیچیده تنزل پیدا می‌کند. برخی از آنان حتی این امتیازات و برتری‌های فیزیکی را مایه سقوط اخلاقی و تنزل ارزشی هر چه بیشتر انسان می‌دانند. زیرا این توانمندی‌ها موجب شده است که بشر از هر موجودی مخرب‌تر و

^۵. educational implications

^۶. descriptions of the supreme humans in the Quran

^۷. instructions of Islamic texts

^۸. Materialist

سفاک‌تر باشد. واقعیت این است که برتری‌های تکوینی و فیزیکی آدمی نسبت به سایر موجودات، به خودی خود نوعی فضیلت و کرامت محسوب می‌شود، اگرچه انحراف مسیر از این توانمندی‌ها، قضاوتی منفی در پی دارد (واعظی، ۱۳۹۵). در باب هدف از آفرینش آدمی می‌توان گفت که خداوند متعال براساس خُب ذات خویش، خود را در آیین وجود انسان نمایان کرده و آدمی را مظهر ذات و صفات الهی و خلیفه الله آفرید. ولی انسان برای رسیدن به این مقام و منزلت، باید بندگی و اطاعت کند تا بدین وسیله موجبات تربیتی‌اش فراهم گردد. فلذا مقصود از خلقت انسان، معرفت به ذات و صفات خداوند است. این تعبیر مضمون این حدیث را بر ما روشن‌تر می‌کند: من گنجی نهان بودم، دوست داشتم که شناخته شوم، خلق را آفریدم تا شناخته گردم^۹ و نیز مشخص می‌شود که چرا عده‌ای از مفسرین در آیه: (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ) [ذاریات/۵۶]؛ عبادت را به معرفت تفسیر کرده‌اند. منظور این مفسرین آن معرفتی است که از راه عبودیت حاصل می‌شود. به عبارتی دیگر غرض نهایی از آفرینش انسان، همان رسیدن به حقیقت عبودیت است که در آن بنده از خود بریده و به خدا پیوسته و بنده‌ای را که به چنین مقامی رسیده و مظهر صفات خداوند شده‌است را «انسان کامل» می‌خوانند (خمینی، ۱۳۷۳).

مفهوم انسان کامل

انسان کامل مفهومی است که از دیرباز مورد توجه فلاسفه بوده است. فلاسفه‌ای مانند افلاطون، ارسطو، سقراط^{۱۰} و سایرین در این مورد دیدگاه‌هایی را ارائه کرده‌اند. فلاسفه مشاء مانند ابن سینا، کمال انسان را در فلسفه نظری و فلسفه عملی یعنی اخلاق می‌دانستند. اولین کسی که در مورد انسان تعبیر انسان کامل را مطرح کرد، محی‌الدین عربی بود. انسان کاملی که از او با القابی چون قطب عالم، جام جهان نما، خلیفه، امام، صاحب زمان، اکسیر اعظم، دانا، بالغ و ... تعبیر می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲) اصطلاحی است عرفانی و بر کسی که مظهر تمام اسمای حسنای الهی و آیین تمام نمای خدا است، اطلاق می‌گردد (خمینی، ۱۳۷۳). انسان کامل آیین حق است، خداوند بر خودش واجب ساخته که اسماء و صفاتش جز در انسان کامل دیده نشود. انسان کامل مظهر اسماء و صفات الهی است، توضیح آنکه خداوند متعال به ذات خود مستغنی از عالم و عالیشان است. ولی باید هر اسمی از اسماء او مظهري داشته باشد تا اثر اسم در آن مظهر به ظهور رسد، زیرا کمال هر چیزی از اظهار خاصیت آن معلوم می‌گردد. مثلاً تا در خارج راحمی و مرحومی نباشد، رحمانیت معلوم نگردد (الله‌وردی‌خانی، ۱۳۸۱). اگر آدم نه بصورت «الله» بلکه بصورت «الرحیم» آفریده شده بود، هیچ انسانی نمی‌توانست خشمگین یا خشن باشد. اگر بصورت «المنتقم» آفریده شده بود، هیچ کس هیچگاه دشمنش را نمی‌بخشید. اگر بصورت «الجبار یا العزیز» خلق شده بود، هیچ کس هرگز خدا یا کس را اطاعت نمی‌کرد. ولی چون انسان بصورت همه اسماء آفریده شده است می‌تواند همه صفات را متجلی سازد. اسمای الهی در نهایت، چیزی جز تعیناتِ اطوارِ ممکنِ ظهور و بطون وجود نیستند. اگر خداوند آفریده‌ای را بصورت خود نمی‌آفرید، عبارت «الله اکبر: خدا بزرگ‌تر است» را بیان نمی‌کرد، زیرا آن وقت در این عبارت برتری و مفاضله است و عنوان بزرگ‌تر صدق نمی‌کرد، مگر آنکه در وی اصل صورت حق تحقق یابد. در مورد مظهریت انسان کامل، ذکر این نکته ضروری است که چنین مقامی هرگز متصف به عین صفات حق تعالی نیست؛ زیرا همان طور که خداوند متعال در مقام ذات بی مثل و بی همتاست، در مرتبه صفات نیز بی نظیر است: (لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ) این قسمت از آیه ۱۱ سوره شوری، بیانگر این واقعیت است که خدا در ذات و صفات جدای از همه مخلوقات است. مثلاً او محیط بر هر چیز است و انسان‌ها غیرمحیط‌اند. مفاهیم آسان و سخت، دور و نزدیک، و گذشته و حال و آینده، اول و آخر، ظاهر و باطن، دیر و زود، زمان و مکان و ... نسبت به خدا معنی ندارد ولی در مورد غیر خدا معنی دارد و کاملاً ثابت شده است. ذات او عین صفاتش و صفاتش عین ذات اوست. اینکه خداوند متعال در بسیاری از آیات قرآنی، موجودات را نشانه و آیه خود قرار داده از جهت تظاهر و نمایندگی آنهاست که هر موجودی مظهر وجودِ موجد خود می‌باشد. اولین ظهور انسان کامل در قالب انبیاء، در حضرت آدم (ع) و غایت و کامل‌ترین ظهور آن در شخص نبی اکرم محمد المصطفی (ص) بوده است (چیتیک، ۱۳۸۵؛ به نقل از حسینی ابوترابیان و پرچم، ۱۳۹۳).

۹. (كُنْتُ كَنْزاً مَخْفِئاً فَاحْبَبْتُ أَنْ أَعْرِفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ وَ تَعَرَّفْتُ إِلَيْهِمْ فَعَرَفُونِي)

10. Plato, Aristotle, Socrates

مفهوم انسان کامل در قرآن کریم

از دیدگاه قرآن کریم انسان موجودی است دو بُعدی^{۱۱}؛ یعنی فطرت انسانی، هم بُعد مثبت دارد هم بُعد منفی. انسان می تواند هم سیر صعودی داشته باشد و هم سیر نزولی و در نهاد او هم استعداد و گرایش به خیرها و نیکی ها وجود دارد و هم گرایش به شرها و زشتی ها. انسان هم نفس لوّامه دارد که او را به سوی خیرها و فضیلت ها هدایت می کند و هم نفس اماره که او را به سوی زشتی ها سوق می دهد. خداوند در قرآن می فرماید: «سوگند به روز رستاخیز و سوگند به نفس ملامت گر» [قیامت/۱ و ۲]^{۱۲}؛ یا «همانا نفس، به کارهای بد امر می کند، مگر آنکه پروردگارم رحم کند» [یوسف/۵۳]^{۱۳}. در بُعد مثبت، انسان به خداوند متعال گرایش دارد: «فطرت خدایی که خدا مردم را بر آن، سرشته است» [روم/۳۰]^{۱۴}؛ این فطرت، استعداد آن را دارد که به سوی خدا سیر کند و موجودی متعالی شود و می تواند خود را به مقام نفس مطمئنه برساند: «ای نفس مطمئنه، خشنود و خدایسند، به سوی پروردگارت بازگرد و در میان بندگان من در آی و در بهشت من داخل شو» [فجر/۳۰-۲۷]^{۱۵}.

در بُعد منفی نیز نفس انسانی، بخیل و حریص است: [اسراء/۱۰۰]؛ [معارج/۱۹] و [اسراء/۱۱]^{۱۶}، چنین موجودی، ناسپاس و کفور نامیده شده است. حتی طبیعت منفی انسان به گونه ای است که می تواند خود را به اسفل سافلین بکشانند: «سپس او را به پست ترین (مراتب) پستی بازگردانیدیم، مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند که پاداشی بی پایان دارند» [تین/۶ و ۷]^{۱۷}. از دیدگاه قرآن، انسان موجودی است که خداوند او را گرمی داشته و به او استعدادهایی داده است تا با آنها بر بسیاری از مخلوقات، برتری پیدا کند: «و به راستی، ما فرزندان آدم را گرمی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا (بر مرکبها) برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده های خود، برتری آشکار دادیم» [اسراء/۷۰]^{۱۸}. انسان از دیدگاه قرآن، چنان ارزش و مقامی دارد که به فرمان الهی، همه جهان آفرینش، مسخر او هستند و خدا نیز انسان را به گونه ای آفریده است که بتواند همه نیروهای طبیعت را تسخیر و از آنها به نفع خود، استفاده کند. از دیدگاه خداوند متعال، عالم هستی، غایت دارد: «و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند» [ذاریات/۵۶]^{۱۹}. هدف از خلقت انسان، عبادت و بندگی خداست؛ یعنی انسان برای این آفریده شده تا به بندگی خدا بپردازد و سرانجام به قرب ربوبی یا به آن مقامی دست یابد که حضور خدا را با دیده دل، درک کند. فقر وجودی خود را دریابد و درک کند که همه عالم وجود، به او نیازمند هستند. تنها خداوند، غنی بالذات است و بقیه، سراسر فقر و نیاز هستند (نصری، ۱۳۷۱). در فرهنگ قرآنی، انسان کامل از مقربین محسوب می شود، یعنی انسان در نقطه نهایی سیر استکمالی خود، به جایی می رسد که جوار رحمت خداست؛ بنابراین باید دانست که عبودیت پروردگار، از مراحل اولیه که همان خشوع و خضوع ظاهری است، آغاز و به مراتب نهایی که اوج اخلاص است، می انجامد. از دیدگاه وحی، انسان حقیقتی است تشکیل یافته از دو بُعد جسم و روح. جسم انسان با مرگ او از بین می رود اما روح او که جوهر اصلی وجود وی است، باقی مانده، به حیات خود ادامه می دهد و هرگز فنا نمی پذیرد. بنابراین، کمال انسان نیز که به روح مربوط است، باید امری فنا ناپذیر و جاودانه باشد (راسخچی زاده، ۱۳۸۴).

11. two-dimensional

^{۱۲}. (لَا أَقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ) و (وَلَا أَقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ)

^{۱۳}. (إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي)

^{۱۴}. (فَطَرَهُ اللَّهُ أَتْلَىٰ فَأَنْتَ الْبَشَرُ أَلْفُسُ عَلَيْهِا)

^{۱۵}. (يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي)

^{۱۶}. (كَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا)؛ (إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا) و (كَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا)

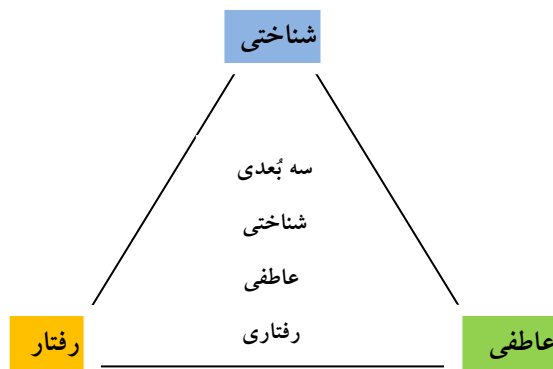
^{۱۷}. (ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ) و (إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ)

^{۱۸}. (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا)

^{۱۹}. (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ)

دلالت‌های تربیتی انسان کامل از دیدگاه قرآن کریم

«دلالت»^{۲۰}؛ یعنی چیزی به گونه‌ای باشد که علم به وجود آن موجب انتقال ذهن به چیز دیگری شود مانند اینکه: به صدا در آمدن زنگ خانه می‌فهماند که کسی پشت در است (ملکی اصفهانی، ۱۳۷۹). دلالت تقسیمات مختلفی دارد. یکی از این اقسام، دلالت تربیتی است؛ بنابراین برای درک بهتر و جامع‌تر این نوع از دلالت، لازم است تا در این راستا بدانیم که تربیت چیست؟ تربیت شامل ایجاد یا فعلیت بخشیدن به هر نوع کمالی در انسان می‌شود که مطلوبیت و ارزش داشته باشد. این کمال گاهی جنبه شناختی^{۲۱} دارد که به دانش، شناخت و آگاهی انسان مربوط می‌شود گاهی نیز جنبه عاطفی یا گرایشی^{۲۲} دارند که به نگرش، اعتقاد، ایمان و علائق، احساسات انسان مربوط می‌شود و بالاخره گاهی جنبه رفتاری، کنشی یا حرکتی^{۲۳} دارند که به رفتارها و اعمال عینی انسان که اغلب دارای مظاهر جسمانی هستند مرتبط است. اکنون بر اساس معادل‌هایی که برای ادله تربیتی کمالات انسانی بیان شد، می‌توانیم دلالت‌های تربیتی انسان کامل را در یک ساختار سه بُعدی^{۲۴} ترسیم کرد (هرم زیر). این سه بُعد همچنانکه در بالا اشاره شد، عبارتند از: بُعد شناختی، بُعد عاطفی- گرایشی و بُعد رفتاری-کنشی. روشن است که برخی از ویژگی‌ها در یکی از ابعاد فوق قرار می‌گیرند و برخی دیگر چند بُعدی هستند و ممکن است هر سه جنبه شناختی، عاطفی و رفتاری از آنها برداشت گردد. اکنون به بررسی اهداف و دلالت‌های تربیتی کمالات انسانی در قالب سه بُعد مطرح شده، می‌پردازیم:



بُعد شناختی

در این قسمت به بررسی بخشی از ویژگی‌های تربیتی انسان کامل پرداخته شده است که کاملاً به دانش، تفکر و فرآیندهای شناختی انسان اختصاص دارد و می‌توان آنها را در این امور خلاصه کرد: دانش مستقیم و حیاتی، دانش لدنی (علم کتاب، علم به ملکوت، تعبیر رؤیا، زبان حیوانات) علوم کتاب الهی، حکمت، تفکر و تدبر ویژه، تذکر و هوشیاری، علوم بشری و دنیوی. واضح است که برخی از علوم مانند دانش وحیانی اختصاص به گروهی از انسان‌های کامل یعنی انبیا دارند.

بُعد عاطفی

در بررسی آیات قرآن، ویژگی‌های عاطفی زیادی از انسان‌های کامل، دیده می‌شود که ما آنها را در سه دسته قرار می‌دهیم؛
 الف) مرتبط با خداوند مانند خدا دوستی و پیروی از او، محبت، خوف و خشیت، تسلیم، رضایت، توکل، آرامش معنوی، احساس ایمنی، نشاط و شادی معنوی، اخلاص در اعمال، خشوع در عبادات و امیدواری به رحمت او؛
 ب) مرتبط به انسان‌های دیگر مانند نوع دوستی و محبت به همه مردم، رأفت و رحمت نسبت به مؤمنین، غم و اندوه نسبت به مشکلات مردم، میل شدید به هدایت مردم، ملایمت با مردم، تواضع نسبت به مؤمنان، محبت به همسر، خانواده و خویشان، دشمنی و نفرت از سارقان معنویت، پذیرش، ولایت انبیا و اوصیا؛

²⁰. implication

²¹. The cognitive aspect

²². The emotional or attitudinal aspect

²³. The behavioral, active or dynamic aspect

²⁴. Three-dimensional (3D) structure

ج) مرتبط با خویشتن مانند خویشتن دوستی، نبود ترس و نگرانی، نبود غم و اندوه، گشادگی سینه، عفاف و تقوا، مهار کامل عاطفی خویش، حلم و کظم غیظ، عزت نفس، زهد و بی رغبتی به دنیا، صداقت و صبر را می توان جزو دلالت های تربیتی انسان کامل برشمرد.

بعد رفتاری

این ویژگی ها در چهار بُعد: معنوی الهی، اجتماعی، اقتصادی، شخصی خانوادگی، سیاسی نظامی بررسی می شود. رفتارهای معنوی الهی:

الف) نماز: انسان های کامل نمازهای واجب خود را اقامه می کنند و از خدا می خواهند که آنان را از اقامه کنندگان نماز قرار دهد. قرآن کریم از زبان ابراهیم (ع) می فرماید: «پروردگارا! مرا برپا کننده نماز قرار بده و از فرزندانم (نیز چنین فرما). پروردگارا! دعای مرا بپذیر» [ابراهیم/۴۰]^{۲۵}.

ب) روزه: «ای افرادی که ایمان آورده اید! روزه بر شما نوشته شده، همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد تا پرهیزکار شوید» [بقره/۱۸۳]^{۲۶}.

ج) عبادات شبانه: قرآن در وصف بندگان خدای رحمان، شب زنده داری آنان به قیام و سجده را بیان می کند [فرقان/۶۴]^{۲۷}. «و پاسی از شب را (از خواب برخیز) قرآن (و نماز) بخوان! این وظیفه اضافی برای تو است؛ امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برانگیزد» [اسراء/۷۹]^{۲۸}.

د) قرائت کتاب الهی: انسان های کامل با شایستگی تمام به قرائت قرآن می پردازند و از نورانیت آن وجود خویش را منور می سازند. خداوند به پیامبر اسلام دستور می دهد که «نیمی از شب را یا کمی از آن کم کن، یا بر نصف آن بیفزای و قرآن را با دقت و تأمل بخوان» [مزل/۴ و ۳]^{۲۹}.

هـ) حج و مناسک آن: رفتن به زیارت خانه خدا و اعمال و مناسک عبادی حج که با شرایطی بر آدمی واجب می شود، موجب کمال بیشتر می گردد. خداوند متعال می فرماید: «در آن، نشانه های روشن، (از جمله) مقام ابراهیم است؛ و هر کس داخل آن (خانه خدا) شود، در امان خواهد بود؛ و برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه (او) کنند، آن ها که توانایی رفتن به سوی آن را دارند» [آل عمران/۹۷]^{۳۰}. ائمه (ع) بارها پیاده به سفر حج می رفتند (حرعاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۸۸) و حضرت حجه ابن الحسن (ع) هر ساله در سفر حج حضور دارند (حرعاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۹۶). و شروع به کار با نام خدا: انسان کامل هر کاری را به یاد او و با نام او آغاز می کند. حضرت نوح حرکت دادن کشتی و ایستایی آن را متوقف بر «بسم الله» می داند [هود/۴۱]^{۳۱}. حضرت سلیمان در نامه ای که به ملکه سبا نوشت آغاز آن را «بسم الله» قرار داد [نمل/۳۰]^{۳۲}.

ز) رعایت دستورات الهی: انسان های کامل همواره به دنبال انجام رفتارهایی هستند که رضایت خدا را جلب می کند و هنجارهای دینی را رعایت می کنند. مطابق دستورات دینی می خورند و می آشامند؛ در رفتارهای جنسی، مراقب پاکدامنی خود می باشند. همه جزئیات زندگی آنها بر اساس دستورات الهی شکل می گیرد.

^{۲۵}. رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ

^{۲۶}. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

^{۲۷}. وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا

^{۲۸}. وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ بِحُفَاةٍ أَوْ كُفَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا

^{۲۹}. (بَصْفَةً أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا) وَ (أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا)

^{۳۰}. (فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ)

^{۳۱}. (وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ)

^{۳۲}. (إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ)

رفتارهای اجتماعی، اقتصادی

الف) رفتار ملایم: «خداوند متعال کسی را که از آمدن یک نابینا در کنار او رو ترش کرده، مورد توبیخ و سرزنش قرار داده است» (عبس/۱۲ و ۱۳). انسان کامل پناه و حامی مستضعفان است و آن‌ها را از خود طرد نمی‌کند.

ب) کمک به محرومان: حضور پیامبر (ص) در پیمان حلف الفضل نمونه‌ای از حمایت انسان‌های کامل از مظلومان است (سبحانی، ۱۳۷۰).

ج) حرکت بر پایه عدالت و قسط: پیامبران الهی به سوی مردم گسیل شده‌اند تا مردم به عدالت و قسط قیام نمایند [حدید/۲۵] ۳۴.

د) مدارا با مردم: مدارا کردن با مردم از هنجارهایی است که از ناحیه انسان کامل نسبت به کسانی که در حق او جفا کرده‌اند، صورت می‌گیرد. «با آنها مدارا کن و عذرشان را بپذیر و به نیکی‌ها دعوت نما و از جاهلان روی بگردان (و با آنها ستیزه مکن)» [اعراف/۱۹۹] ۳۵.

ه) حمایت‌های مالی از مردم: یکی دیگر از رفتارهای انسان کامل پرداخت زکات و خمس و ادای حقوق مالی است. «ای پیامبر! از اموال آنها صدقه‌ای (به عنوان زکات) بگیر تا به وسیله آن، آن‌ها را پاک سازی و پرورش دهی! (به هنگام گرفتن زکات) به آنها دعا کن که دعای تو، مایه آرامش آنها است و خداوند شنوا و دانا است» [توبه/۱۰۳] ۳۶. انفاق مستحب و بخشش مال به محرومان از دیگر رفتارهای حمایتی انسان کامل است. «علی (ع) چهار درهم نزد خود داشت یک درهم آن را شب، یک درهم را روز، یک درهم آن را آشکار و یک درهم آن را پنهانی صدقه داد.» (زمخشری، ۱۳۹۷). آیه‌ای در شأن آن حضرت نازل گردید که «آنان که اموال خود را شب و روز پنهان و آشکارا انفاق می‌کنند، مزدشان نزد پروردگارشان است؛ نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می‌شوند» [بقره/۲۷۴] ۳۷.

ز) مشورت با مردم در تصمیم گیری‌ها: «ای پیامبر! در کارها با آنها مشورت کن» [آل عمران/۱۵۹] ۳۸. پیامبر اسلام در جنگ بدر و نیز در جنگ احد نیز درباره تصمیمات نظامی، با اصحاب مشورت کرد (مطهری، ۱۳۷۵).

رفتارهای شخصی، خانوادگی

«و از نشانه‌های خداوند این است که همسرانی، از جنس خودتان، برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید» [روم/۲۱] ۳۹. مرد و زن هر کدام به تنهایی ناقص و به دیگری نیازمند است و از مجموع مرد و زن، واحد تمامی به وجود می‌آید؛ به جهت همین نقص، هر کدام از زن و مرد به سوی جفت خود حرکت می‌کند و با رسیدن به همسر خود، سکونت و آرامش پیدا می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۲). پس یکی از آثار روان شناختی ازدواج، کمال و رشد انسان است (سالاری فر، ۱۳۸۹). کسانی که ازدواج نکرده‌اند با وجود عفت، نوعی رشد نایافتگی در آنها دیده می‌شود (مطهری، ۱۳۸۹)؛ بنابراین یکی از ویژگی‌های انسان کامل نگرش مثبت به ازدواج و انجام آن می‌باشد. البته حق همسر و خانواده تنها با تأمین هزینه زندگی و فراهم کردن مسکن و تغذیه و پوشاک حاصل نمی‌شود بلکه مهم‌تر از آن «تغذیه روانی آنها با به کار گرفتن اصول صحیح تعلیم و تربیت است» (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷). انبیا فرزندان خود را به اقامه نماز دعوت می‌کردند. در مورد پیامبر اسلام (ص) آمده است: «خانواده خود را به نماز فرمان ده و بر انجام آن شکیبا باش! از تو روزی نمی‌خواهیم! (بلکه) ما به تو روزی می‌دهیم؛ و عاقبت نیک برای تقواست» [طه/۱۳۲] ۴۰. انسان کامل، به تربیت خانواده توجه ویژه‌ای دارد و برای رسیدن به آن، همه تلاش خود را مبذول می‌دارد. «آن‌ها پیوسته از درگاه خدا دعا می‌کنند که پروردگار! از همسران و فرزندان ما کسانی قرار ده که مایه روشنی چشم ما گردد» [فرقان/۱۹] ۴۱. انسان‌های کامل نسبت به رعایت عفاف در همسران خود حساس هستند. «ای پیامبر، به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: جلاب‌ها (روسری‌های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند، این کار برای آنکه شناخته شوند و

۳۳. (عَبَسَ وَ تَوَلَّى) (أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى)

۳۴. (لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ)

۳۵. (خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ)

۳۶. (خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ)

۳۷. (الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ)

۳۸. (وَأَوْسِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ)

۳۹. (وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ)

۴۰. (وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى)

۴۱. (فَقَدْ كَذَّبْتُمْ بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَلَا نَصْرًا وَمَنْ يَطْلُبْ مِنْكُمْ نُدْفَةً عَذَابًا كَبِيرًا)

مورد آزار و اذیت قرار نگیرند بهتر است» [احزاب/۵۹]۴۳ «آنان با همسر به طور شایسته و صحیح رفتار می کنند» [نساء/۱۹]۴۴. رفتارهای شخصی، خانوادگی و مباحث تربیتی خانواده گسترده تر است از آنکه بشود حتی اشاره ای در این مختصر به آنها داشته باشیم، بنابراین علاقمندان را به متون تخصصی در آن باب، ارجاع می دهیم.

رفتارهای سیاسی، نظامی

الف) حکم به حق: انسان کامل در صورتی که به حکومت رسید، حق محوری را سرلوحه امور خویش قرار می دهد. «ای داود ما تو را خلیفه (و نماینده خود) در زمین قرار دادیم، در میان مردم به حق داوری کن و از هوای نفس پیروی کن و از هوای نفس پیروی نکن که تو را از راه خدا منحرف می سازد» [سوره ص/۲۶]۴۴.

ب) احیای احکام الهی: هنگامی که انسان کامل مبسوط تمکن یابد اقدام به برپایی و زنده کردن احکام الهی می نماید. همان کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را به پا می دارند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و پایان همه کارها از آن خداست [حج/۴۱]۴۵.

ج) رجوع به دستور الهی در نزاع: انسان های کامل تنها از حکم خدا و رهبر الهی تبعیت می کنند و در هنگام نزاع، به طاغوت مراجعه نمی کنند. بلکه به رسول خدا و رهبر دینی مراجعه می کنند. «ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولی الامر [اوصیای پیامبر] را و هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید (و از آنها داوری بطلبید) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید» [نساء/۵۹]۴۶.

د) تقویت روحی، روانی: مسلمانان به جهت انگیزه الهی و ایمان سرشار به خداوند و معاد و شوق رفتن به بهشت از جنگ کردن و کشته شدن هراسی ندارند. اگر بکشند، پیروزند و اگر کشته شوند باز هم پیروزند. انسان های کامل با پشتوانه عقیدتی محکم و با صبر و استقامت می توانند بر نفرت دشمن پیروز شوند [انفال/۶۵]۴۷ و این است نشانه ها، فایده ها و دلالت های تربیتی یک انسان کامل از دیدگاه قرآن.

۴۳. (یا ایُّهَا النَّبِیُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكُمْ وَ بَنَاتِكُمْ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِیْنَ یُذَنِّبُ عَلَیْهِنَّ مِنْ جَلَابِیْبِهِنَّ ذَلِكُمْ أَذْنٰی اَنْ یُعْرِفْنَ فَلَا یُؤْذِنُ وَ كَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِیْمًا)

۴۴. (یا ایُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوا لَا یَحِلُّ لَكُمْ اَنْ تَرْتَوْا النِّسَاءَ كُرْهًا وَّلَا تَعْضَلُوْهُنَّ لِتَذْهَبُوْا بِبَعْضِ مَا اتَّيْتُمُوْهُنَّ اِلَّا اَنْ یَاْتِیَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِیِّنَةٍ وَ عَاشِرُوْهُنَّ بِالْمَعْرُوْفِ فَاِنْ كَرِهْتُمُوْهُنَّ فَعَسٰی اَنْ تَكْرَهُوْا شَیْئًا وَ یَجْعَلَ اللّٰهُ فِیْهِ خَیْرًا كَثِیْرًا)

۴۵. (یا داوُد اِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِیْفَةً فِی الْاَرْضِ فَاحْكُم بَیْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَ لَا تَتَّبِعِ الْهَوٰی فَیُضِلَّكَ عَنْ سَبِیْلِ اللّٰهِ اِنَّ الَّذِیْنَ یُضِلُّوْنَ عَنْ سَبِیْلِ اللّٰهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِیْدٌ یِّمَّا نَسُوا یَوْمَ الْحِسَابِ)

۴۶. (الَّذِیْنَ اِنْ مَكَتٰهُمْ فِی الْاَرْضِ اَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ اَتَوْا الزَّكَاةَ وَ اَمَرُوا بِالْمَعْرُوْفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلّٰهِ عَاقِبَةُ الْاُمُوْر)

۴۷. (یا ایُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوا اطِيعُوا اللّٰهَ وَ اطِيعُوا الرَّسُوْلَ وَ اُولٰی الْاَمْرِ مِنْكُمْ فَاِنْ تَنَازَعْتُمْ فِی شَیْءٍ فَرُدُّوْهُ اِلٰی اللّٰهِ وَ الرَّسُوْلِ اِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَ الْیَوْمِ الْاٰخِرِ ذَلِكُمْ خَیْرٌ وَ اَحْسَنُ تَاْوِیْلًا)

۴۸. (یا ایُّهَا النَّبِیُّ خَرِّصِ الْمُؤْمِنِیْنَ عَلٰی الْقِتَالِ اِنْ یَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُوْنَ صَابِرُوْنَ یَغْلِبُوْا مِائَتَیْنِ وَاِنْ یَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ یَغْلِبُوْا اَلْفًا مِنَ الَّذِیْنَ كَفَرُوْا بِاَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا یَفْقَهُوْنَ)

نتیجه گیری

در این مقاله، تلاش مختصری درباره معرفی چهره انسان کامل و راهنمایی های تربیتی وی از منظر قرآن و احادیث معصومین (ع) صورت پذیرفت که تنها می تواند به عنوان پیش درآمدی بر مجموعه معارف وسیعی که در سرتاسر متون دینی و میراث اندیشه اسلامی پراکنده است، تلقی شود. از آنجا که امتداد وجودی انسان با حیات دنیوی پایان نمی پذیرد و حیات پس از مرگ و جهان آخرت، ادامه وجود و هستی آدمی است، شناخت موجودیت دنیوی انسان و ترسیم چهره این جهانی از او، به هیچ وجه نمی تواند آیین تمام نمای هویت انسانی قلمداد شود. بنابراین، شناخت معاد و حیات اخروی انسان و ابعاد وجودی او در نشئه آخرت و آگاهی به ویژگی ها و کیفیت زندگی آدمی در حیات واپسین، جزء مکمل و ضروری انسان شناسی رایج و متعارف است و بدون آگاهی کافی از این امور، هرگز نمی توان از شناخت همه جانبه انسان سخن گفت. هرچند برخی از اصحاب کلام، فلسفه و عرفان به روش خاص خویش به تبیین و اثبات ضرورت وجود انسان کامل پرداخته اند و می توان گفت که در این میان روانشناسی نیز به عنوان یک علم تجربی جدید از این قاعده مستثنی نیست و مفهوم انسان کامل و رشد یافته را مدنظر قرار داده و دیدگاه های مختلفی را در این حوزه ارائه کرده است. اما فلسفه وجودی انسان کامل، متصل ساختن انسان ها به مبدأ اعلی و رساندن آنها به قرب الهی می باشد. از نظر قرآن این مهم از عهده کسی برمی آید که خود «مُقَرَّب»^{۴۸} بوده و از طریق عبودیت کامل متصف به صفات الهی شده و به قُرب رسیده باشد. انسان ها باید هدف خلقت خود را به طور مجسم در خلیفه خدا نظاره کنند تا شور و شوق تبعیت از حق را در جهت رسیدن به مقصود پیدا کنند؛ که تا این جاذبه در ایشان ایجاد نشود، پیروی کامل و به دنبال آن قُرب برایشان حاصل نمی شود. این است که در هر زمانی باید انسانی کامل وجود داشته باشد تا انسان ها سعی وجودی خود را در آیین وجود او ببینند و در اثر تبعیت از رهنمون های او به کمال رسیده و از دریچه وجودی خود، خدا را بشناسند. چون هدف از خلقت انسان، رسیدن به مظهریت ذات و صفات الهی است و انسان کامل به کسی گویند که به چنین مقصدی رسیده باشد. قرآن این امر را به صورت خلافت الهی مطرح کرده، زیرا جانشینی خدا برای مظهر کل اسماء او معنا دارد؛ این است که انسان کامل مظهر اسم اعظم و مظهر تجلی اسماء الحسنی می باشد و مسأله امانت الهی که به انسان واگذار شده و تعلیم اسماء به او، مربوط به خلافت الهی اوست. تعبیر «مُخْلِص و مُطَهَّر» که اسم مفعول هستند، عنایت خاص الهی را به انسان کامل می رساند. به این صورت که او را برای خود خالص و پاک ساخته تا آیین حق شوند و برگزیدگی و فضیلت آنها را با واژه های «اجتباء و اصطفاء» اعلام می دارد. بنابراین، ضرورت شناخت انسان کامل، همان ضرورت شناخت خدای متعال است و شناخت خداوند نهان جز از طریق شناخت صورت عیان او، یعنی؛ حقیقت محمدیه ممکن نیست و شیوه ها و دلالت های تربیتی صرفاً جرقه ای برای رسیدن به آن حقیقت هستند. لذا، حقیقت محمدیه اولین و آخرین مخلوق الهی است و دیگر کثرات همگی ظهور آن حقیقت یگانه اند. (الحق معنا فلن یوحشنا من قعد عنا، نحن صنائع ربنا و الخلق بعد صنائعنا)؛ «حق با ما (اهل بیت) است و کناره گیری عده ای، از ما، هرگز سبب وحشتان نمی شود؛ چرا که ما پرورش یافتگان پروردگاریم و دیگر مخلوقین، پرورش یافتگان ما هستند». (بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸). پس شریعت، طریقت و حقیقت سایر ادیان الهی ظهور تدریجی دین یگانه او و وجود انبیاء عظام: فروعات و اشعات پرفروغ وجود یکتای اوست. بنابراین مهمترین دلیل ضرورت وجود انسان کامل، همان ضرورت ظهور ذات حق در مظهری تام و معتدل می باشد. انسان کامل تنها مظهری است که به نحو اعتدالی، جامع تمام اسماء الهی است و احکام دو نشئه وحدت و جوبی و کثرت امکانی در او جمع آمده است، آنچنان که هم آراسته به صفات جمالی تشبیهی است و هم آراسته به صفات جلالی تنزیهی. انسان کامل مثل اعلای ذات الهی است (وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَى) [روم/۲۷]، زیرا خداوند او را بصورت خویش آفریده است. (فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ) [حدیث ۳۸] خداگونگی انسان در آفرینش، «همانا خداوند بزرگ، آفرید آدم را بر صورت خود». از این رو آن آدم حقیقی، حضرت حبیب خدا و وجود لایتناهی الهی را ذاتاً، صفتاً و فعلاً در وجود بی کرانه خویش نمایان گر است و به راستی چنین انسانی با این اوصاف، می تواند راهگشا و چراغ راه بسیاری از مسائل تربیتی باشد.

منابع و مراجع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن عربی، محمد: (۱۳۶۵)، (۵۶۰-۶۳۸ ق)، فصوص الحکم، شارح: ابوالعلاء عفیفی، بیروت، دارالکتب العربی.
- ۳- ابوترابیان، مستانه؛ پرچم، اعظم: (۱۳۹۳)، جستاری در شناخت انسان از منظر قرآن، فصلنامه مطالعات قرآنی؛ سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۷۹-۹۵.
- ۴- الله وردی خانی، علی: (۱۳۸۱)، سفر به کعبه جانان، ج ۱، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۵- خراغملی، محمد حسن: (سال نشر ۱۴۰۳ ق)، وسائل الشیعه، ج ۸، چاپ پنجم، بیروت: نشر دارالاحیاء التراث العربی، صص ۹۶-۸۸.
- ۶- خمینی، روح الله: (سال نشر ۱۴۱۰ ق)، تعلیقات علی شرح فصوص الحکم و مصباح الانس، قم، موسسه پاسدار اسلام.
- ۷- خمینی، روح الله: (۱۳۸۶)، شرح دعای سحر، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، چاپ اول.
- ۸- خمینی، روح الله: (۱۳۷۳)، مصباح الهدایه الی الخلافه و الولایه، با مقدمه سید جلال الدین آشتیانی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- ۹- راسخچی زاده، حمید: (۱۳۸۴) اخلاق و ارزش های انسانی، تهران، نشر انجمن اولیا و مربیان، ص ۱۹۵.
- ۱۰- زمخشری، جارالله: (۱۳۹۷)، الکشاف عن حقائق التنزیل، ج ۱، چاپ اول، نشر دارالفکر، ص ۳۹۸.
- ۱۱- سالاری فر، محمدرضا: (۱۳۸۹)، آشنایی با روانشناسی، چاپ اول، قم: نشر هاجر، ص ۵۷.
- ۱۲- سبحانی، جعفر: (۱۳۷۰)، فروغ ابدیت، ج ۱، چاپ ششم، قم: دفتر نشر تبلیغات اسلامی، ص ۱۸۴.
- ۱۳- طباطبایی، سید محمد حسین: (۱۳۷۲)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه، صص ۱۷۳-۱۷۴.
- ۱۴- طبرسی، فضل بن حسن: (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، با مقدمه محمد جواد بلاغی؛ چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- ۱۵- علامه مجلسی، محمد باقر: بحارالانوار، ج ۵۳، قم، نشر دارالکتب الاسلامیه، ص ۱۷۸.
- ۱۶- مطهری، مرتضی: (۱۳۷۵)، سیری در نهج البلاغه، ج ۱۳، تهران: نشر صدرا، صص ۹۲-۸۷.
- ۱۷- مطهری، مرتضی: (۱۳۸۹)، تعلیم و تربیت در اسلام، چاپ شصت و هفتم، تهران: نشر صدرا، صص ۲۶۷-۱۶۶.
- ۱۸- مکارم شیرازی، ناصر: (۱۳۶۷)، تفسیر نمونه، ج ۲۴، چاپ بیست و سوم، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه، ص ۲۸۶.
- ۱۹- ملکی اصفهانی، مجتبی: (۱۳۷۹)، فرهنگ اصطلاحات اصول، ج ۱، قم، نشر عالم، ص ۳۱۸.
- ۲۰- نسفی، عزیزالدین بن محمد: (۱۳۷۷)، الانسان الکامل، تصحیح و مقدمه ماریژان موله، ترجمه مقدمه از سید ضیاء الدین دهشیری، انیستیتو ایران و فرانسه، تهران، کتابخانه طهوری.
- ۲۱- نصری، عبدالله: (۱۳۷۱)، سیمای انسان کامل از دیدگاه مکاتب، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، صص ۳۸۹-۳۹۴.
- ۲۲- واعظی، احمد: (۱۳۹۵)، انسان از دیدگاه اسلام. چاپ نوزدهم. ویرایش سوم، انتشارات سمت، تهران، صص ۱۵۴-۱۵۳.